

معرفی و بررسی شعر سرایی فارسی میرزا مظهر جان جانان

کلیمه اختری

دانشجوی دوره دکتری ادبیات فارسی، دانشکده خاور شناسی

دانشگاه پنجاب لاهور- پاکستان

چکیده:

میرزا مظهر جان جانان شاعر اردو و فارسی، ادیب و عارف نقشبندی مجددی برجسته سده ۱۲ هجری قمری / ۱۸ میلادی در شبه قاره است. او در ۱۱۱۱ق/ ۱۷۰۰م در یک خانواده دولتمردان و صاحب علم و عرفان در کالا باغ نزدیک مالوه در شبه قاره به دنیا آمد. پدر و پدر بزرگش در دربارهای شاهی تیموریان دارای منصب ها جاگیر بودند. میرزا مظهر پس از کسب دانش های مقدماتی و هنرهای سپاه گری و رزمی در خانواده قرآن مجید را نزد حافظ غلام رسول دهلوی و علوم دیگر دینی و عرفانی نزد حاجی محمد افضل خواند. او پیرو سلسله عرفانی نقشبندی بود و در گسترش آن در شبه قاره کوشید. او در ۱۱۹۵ق/ ۱۷۸۱م در دهلی کشته و همانجا مدفون شد. او به اردو و فارسی شعر سروده است و شعر شاعران فارسی را به عنوان "خریطه جواهر" انتخاب کرده است. در این مقاله علاوه بر معرفی آثار به بررسی جاگاه شعر سرایی فارسی وی پرداخته شده است.

کلید واژه ها: میرزا مظهر جان جانان، شعر سرایی فارسی در شبه قاره، خریطه جواهر، انتخاب

شعری فارسی، سلسله عرفانی نقشبندی مجددی در شبه قاره، تاریخ ادبیات فارسی در شبه قاره.

شمس الدین حبیب الله جانِ جانان فرزند میرزا جانی پسر عبدالسبحان فرزند محمد امان عارف نقشبندی مجددی، ادیب، شاعر فارسی و اردو در شبه قاره است. نسبش با نوزده واسطه به محمد حنیفه و ۲۸ واسطه به حضرت علی می پیوندد. نسبش را نعیم الله بهرائچی در "معمولات مظهریه" که یکی از منابع درباره میرزا مظهر جانِ جانان است، بدین گونه درج کرده است: "میرزا جانِ جانان بن میرزا عبدالسبحان بن میرزا محمد امان بن شاه بابا بن سلطان بن امیر بابا خان بن امیر غلام محمد بن امیر محمد بن خواجه رستم شاه بن امیر کمال الدین امیر بابا خان". از نیاکانش امیر بابا خان قاقشال با همایون پادشاه تیموری (۹۳۷-۱۰۱۴ ق/ ۱۵۳۰-۱۵۵۶ م) در بازگشت، پس از جلای وطن به ایران در دوره صفوی، به شبه قاره به همراهی او به آن دیار رفت. او پس از مرگ همایون با دربار فرزندش اکبر پادشاه (۱۰۱۴-۱۰۳۷ ق/ ۱۵۵۶-۱۶۰۵ م) پیوست و در جنگ های اکبر با دشمنانش شرکت جست که حتی در بعضی از این جنگ ها خود اکبر نیز شرکت داشت. میرزا جان، پدر مظهر از منصب داران اورنگ زیب بود و به همراه او به دکن رفت. او در ۱۱۱۰ ق از دربارش کناره گرفت و از دکن به اکبر آباد راهسپار شد. میرزا مظهر در راه اکبر آباد در کالا باغ نزدیک مالوه به دنیا آمد. درباره تاریخ تولدش در شرح حال نویسان و تذکره نگاران اختلاف است، که یکی از اسباب این اختلاف نوشته خودش در یک نامه است؛ اما اغلب پژوهشگران بر آن اند که او در ۱۱۱۱ ق/ ۱۷۰۰ م در یک خانواده صاحب علم و عرفان و دولتمرد به دنیا آمد

(برای اطلاعات بیشتر درباره تاریخ، تولد میرزا مظهر جان جانان و اختلاف در آن رك: قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر جانِ جانان اور اُن کا کلام، صص ۲۶-۲۹)۔ چنانکه پدر و پدر بزرگش در دربارهای شاهی دارای منصب و جاگیر بودند. مادر بزرگش دختر اسد خان وزیر بود و در خانه درس "مثنوی معنوی" مولانا می داد. پدرش مرزا جان پس از وابستگی چند ساله با دربار اورنگ زیب از او ناراحت شده و ترك دربار کرد و دیگر تمام عمر در ریاضت و مجاهده به سر برد و در ۱۱۳۰ ق/ وفات یافت.

درباره نام گذاری مظهر نیز داستان جالبی نقل شده است چنانکه: "مطابق دستور رائج دربار هر وقتی هم که یکی از امیران بزرگ و غیره صاحب فرزندی می شد، به پادشاه اطلاع می داد تا از اسم بگذارد و یا نام های که از خانواده در نظر گرفته شده بود، یکی از آنها را خود پادشاه انتخاب می کرد، زیرا این امر سبب عمق روابط و صمیمیت میان پادشاه و امیران می شد. از آنجا که میرزا جان نیز در دربار می بوده هر چند موقع تولد فرزندش آن را ترك کرده بود، به اورنگ زیب از ولادت فرزند در خانه میرزا جان خبر دادند. او گفت که چون اسم پدر پسر میرزا جان است، پس ما "جانِ جان" نامش گذاشتیم. عامه مردم در زندگی وی آن را به "جانِ جانان" تغییر دادند. چنانچه خود میرزا در نامه هایش خود را "جانِ جانان" نام می داد و در آنها همان را درج می کرد. (بهرائجی، مولوی نعیم الله، بشارات مظهریه، گ ۱۱۸؛ همو، معمولات مظهریه، ص ۶؛ غلام علی، شاه، مقامات مظهریه، ص ۱۴، عقد ثریا،

ص ۵۵؛ کلمات طیبات، ص ۱۲؛ آزاد بلگرامی، سرو آزاد، ص ۵؛ قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر جانِ جانان اوران کا کلام، صص ۲۶-۲۹). مظهر خودش درباره نامش در يك بيت بدین گونه گفته است :

ز تأثیر محبت در دلش کردیم جا مظهر به جا باشد اگر خوانند یاران جانِ جان ما را
میرزا مظهر تحصیلات مقدماتی از قبیل رسائل فارسی در آگره، جایی که پدرش زندگی می کرد، از پدرش فرا گرفت و نیز هنر سپاه گری و فنون جنگی و آداب دربار یاد گرفت. او قرآن مجید را از حافظ غلام رسول دهلوی شاگرد شیخ عبدالخالق مصری خواند و نیز از هموتجوید فرا گرفت. پس از مرگ پدرش در ۱۶ سالگی حدیث، تفسیر و علم مبسوط از حاجی محمد افضل آموخت، علاوه بر اُستادانِ مذکور از دیگران نیز کسب دانش کرد. و تا مدتی در تدریس علوم ظاهری مشغول بوده است. چون به درون گرایند، از ظاهر دوری اختیار کرد. در ابتدا به شیخ نور محمد بدایونی (در گذشته: ۱۱۳۵ ق) از مشائخ نقشبندی و خلیفه شیخ سیف الدین بن معصوم سرهندی دست ارادت داد و نزدیک چهار سال در خدمت وی بوده از او اجازه ارشاد گرفت و تا شش سال بعد از مرگش مجاور خانقاهش بوده است. مظهر پس از آن نزد شیخ محمد افضل سیالکوتی (در گذشته: ۱۱۴۶ ق) ”مطلوبات“ خواند از وی حدیث فرا گرفت و مدتی در تدریس آن مشغول ماند. سپس دست ارادت به شیخ سعد الله دهلوی (در گذشته: ۱۱۵۲ ق) خلیفه نامدار محمد صدیق فرزند محمد معصوم سرهندی (در گذشته: ۱۱۳۱ ق) داد و نزدیک ۱۲

سال در خدمت او بوده است. او پس از مرگ حافظ سعد الله به حلقه ارادتِ شیخ محمد عابد سنامی از خلیفه های شیخ عبدالاحد سرهندی (در گذشته: ۱۲۷۱ ق) پیوست و پس از فوت شدن ایشان در دهلی بر مسند ارشاد نشست و به رهنمایی ارادتمندان پرداخت. او از آنجا که به پیرو نقشبندیه بود به گسترش آن سلسله توجه فراوان داد که در نتیجه تلاش های صمیمانه او این سلسله در دور ترین نقاط هند رواج پیدا کرد و شار فراوانی از عامه مردم به این سلسله پیوستند که از میان آنان می توان به ویژه از روهیله ها ذکر کرد. او برای اشاعت طریقه نقشبندی در پیرانه سالی هم به مسافرت ها رفت که میان آنها مسافرتش به امروده، مراد آباد، شاهجهان پور، بریلی، سنبهل و پانی پت قابل ذکر است. در این مسافرت ها عده زیادی از مردم به سلسله عرفانی نقشبندیه پیوستند و برای توسعه آن تلاش کردند.

مظهر جانِ جانان در ۷ محرم روز چهارشنبه سال ۱۱۹۵ ق / ۳ ژانویه ۱۷۸۱م از دست يك مردی ناشناس تند رو مذهبی که سه نفر را همراه داشت، با گلوله اش به شدت مجروح شد و پس از دو روز نزدیک غروب روز شنبه ۱۰ محرم ۱۱۹۵ ق / ۶ ژانویه ۱۷۸۱م در هشتاد سالگی کشته شد. (قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر اوران کا کلام، صص ۶۲.۵۹ - برای اطلاعات مفصل در باره اسباب کشته شدن میرزا و اختلاف در تاریخ درگذشتش رک: همو، صص ۶۵-۵۸؛ برزگر، مظهر دهلوی، صص ۲۳۸۴-۲۳۸۵؛ اردو دائره معارف اسلام ذیل مدخل مظهر جانِ جانان). مریدان و ارادتمندانش سعی کردند که نام و نشانی از

حمله کنندگان از او بگیرند تا قصاصش گرفته شود؛ ولی او آنان را معاف کرد و
خونش را بخشید. بیتی از خود میرزا مظهر جانِ جانان این وضع را بهتر شرح می
دهد:

بنا کردند خوش رسمی به خاک و خون غلطیدن
خُدا رحمت کند این عاشقانِ پاکِ طینت را
بیتِ دیگر زیرِ مظهر در بیانِ روشِ زندگیش که دشمنان را هم معاف می
کرد قابل توجه است:

آن کشته هیچ حقِ محبتِ ادا نکرد کز بهر دست و بازوی قاتل دعا نکرد
شاعرانِ معروف آن روزگار میر قمرالدین منت و غلام علی آزاد بلگرامی
بالترتیب بیت‌هایی سروده‌اند که از آنها سال درگذشت حضرتِ جانِ جانان
استخراج می‌شود:
منت:

هست حدیثی از پیغمبر صلی الله علیه وسلم
عاش حمیداً مات شهیداً سالِ وفاتِ مرزا مظهر = ۱۱۹۵
آزاد بلگرامی:

میرزا مظهر سخن سنج شهید
حشر او با نور چشم

روز عاشوره از جهان مظلوم رفت

گفته شد تاریخ ”حسن الخاتمه“ = ۱۱۹۵ ق

میرزا مظهر جانِ جانان درباره‌ی جای دفنش خیلی صریح وصیت کرده بود که: ”منکوحه من از من درخواست کرده بود که تدبیر امور اخروی خود را برای او و گذارم... من هم این معنی را با قرار زبانی قبول کرده بودم، اما در آن ایام مستوره قطعاً زمینی در ملک خود نداشت، الحاصل يك منزل حویلی خرید کرده است و من به جان از آن بقعه بیزارم. اگر خواهد که مرا در آنجا مدفون سازد بر دوستان فقیر به حکم حق دوستی واجب است که هرگز تجویز ننمایند، بعد از این هر جا که میسر آید، مرضی او مرعی دارند و بیرون ترکمان دروازه مناسب تر است.“ ولی با وجود این مرزا را همان جایی که او منع کرده بود، به خاک سپردند با این توجیه که از آنجا که وصیت نامه پیش قاضی ثناء الله پانی پتی بود که هنگام مرگ میرزا مظهر در دهلی نبود و در بی اطلاعی این کار به عمل آمد، دوم این که در آنجا با این نیت دفنش کردند که بعد از رویت وصیت نامه جسدش را به آنجا انتقال خواهند داد، که پس از دیدن وصیت به سبب جلو گیری خود مظهر جانِ جانان در رویا دیگر جسدش همانجا ماند (بهرائچی، مولوی نعیم الله، معمولات مظهریه، صص ۱۴، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵؛ همو، بشارات مظهریه، ورق ۱۴۵ ب، غلام علی، شاه، مقامات مظهری، ص ۶۱؛ قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر اوران کا کلام، صص ۶۰-۶۲).

ساختمان خانقاهش میان سال های ۱۲۰۵ و ۱۲۰۶ ق ۱۷۹۱ و ۱۷۹۲ م

به تلاش های یکی از خلیفه هایش مولوی نعیم الله بهرائچی ساخته شد. شرح حال نویسان او از درج بودن بیت زیر خود مظهر بر قبر تعویزش اطلاع داده اند:

به لوح تربت من یافتند از غیب تحریری که این مقتول را جز بی گناهی نیست تقصیری

میراز جانِ جانان يك عارف دانشمند، صوفي صافی و ادیب کامل عیار بود. از آنجا که در جوانی "تارك الدنيا" شده بود و بیشتر اوقاتش به ریاضت، مجاهده و ذکر خدا به سر می رفت، و او پس از گذراندن سه سال پیاپی در خدمت و کسب فیض از عارفان، صوفیان و عالمان معروف به مسند ارشاد نشست میرزا مظهر زبان اُردو و فارسی در نظم و نثر آثار بسیار به جا مانده است که به راهنمایی و رشد و هدایت مریدان و شاگردان به سر کرد، سفرهای طولانی و پیاپی برای گسترش سلسله عرفانیش نیز وقت بیشتر او را می گرفت، با وجود این که ذوق و علاقه مندی فراوان به علم و دانش داشت، نتوانست به نوشتن کتاب و مطالب توجه کند. چنانکه او ذوق فراوان و علاقه عمیق به شعر خوانی و سرودن آن داشت، بعضی اوقات شعر می سرود و عاطفها و احساسات خود را به زبان شعر عرضه می کرد. شرح آثار میرزا مظهر جانِ جانان بدینگونه است:

آثار:

۱ - دیوان شعری:

مجموعه سروده های فارسی مظهر حدوداً دارای يك هزار بیت غزل، ۱۰ رباعی، دو مخمس، يك واسوخت، و دو مثنوی بسیار کوتاه است. این دیوان نخستین بار در ۱۲۷۱ ق از چاپخانه مصطفایی در کانپور چاپ سنگی شد. صاحب چاپخانه در پایان متن درباره این چاپ مطالبی بدینگونه درج کرده است: "در مطبع مشهور

نزدیک و دور یعنی مطبع مصطفایی واقع کانپور در شهر ذی قعدہ ۱۲۷۱ ق روح افزای کالبد انطباع گردیده، کحل الجواهر مشتاقان گردید.“

هر چند دیوان شعری میرزا مظهر جان جانان یک بار از چاپخانه مجتبیایی و چند بار با استفاده از همان چاپ سنگی تجدید چاپ شده است، اما از آنجا که نه این چاپ مقدمه ای در شرح حال، معرفی آثار و بررسی درباره جایگاه میرزا مظهر جان جانان دارد و نه در آن از نسخه های خطی دیوان شعر میرزا استفاده شده و نه هیچ ترتیب در متن اشعار مورد استفاده قرار گرفت، این چاپ هم جایگاه یک نسخه خطی دارد و نیاز آن بود که با استفاده از نسخه های خطی در دست در کتاب خانه های مختلف دیوان شعری میرزا مظهر جان جانان استفاده شده، با رعایت معیار رایج در تصحیح متون شعری فارسی یک متن کاملاً مستند و معتبر تهیه و عرضه شود. برای بر آوردن این نیاز مذکور با گرد آوری و استفاده از چند نسخه خوب دیوان مظهر و در نظر داشتن مطالب چاپ سنگی متن مستند و معتبر آماده شده است.

۲ - **خریطة جواهر**: مجموعه شعری که در بردارنده انتخاب و گزیده شاعران فارسی معروف ایران، افغانستان، پاکستان و آسیای میانه است که میرزا مظهر جان جانان با استفاده از ذوق خوب شعری خود گزینش کرده در مجموعه درج کرد و آن را “خریطة جواهر” نامید. در این مجموعه علاوه بر انتخاب شاعران دیگر فارسی، مظهر شعر خود را نیز درج کرده است. این انتخاب شعری از این که نشانگر روحیه حضرت مظهر جانان است، بسیار ارزش و اهمیت دارد. خریطة جواهر هم به طور مستقل و هم به طور ضمیمه دیوان شعری میرزا مظهر چندین بار از هند و پاکستان

چاپ سنگی شده است. نخستین چاپ سنگی این مجموعه ضمیمه دیوان شعری است که در ۱۲۷۱ق از چاپخانه مصطفایی از کانپور چاپ شده است. ناشر چاپ سنگی صاحب چاپخانه مصطفایی در پایان مجموعه در شرح این خریطه جواهر و چاپ سنگی آن بدینگونه مطالب درج کرده است:

”جناب شان (یعنی میرزا مظهر جانِ جانان در ایام شباب از دواوین اساتذه التقاط فرموده بودند و به کمال طوع رغبت علی الدوام نصب العین می داشتند و نسخه مذکور اکثراً به خدمت شاه غلام علی صاحب می بود، استعاره به دست آوردهم فوزِ عظیم پنداشت و رقم مراد بر لوحه دل نگاشت. چون اشاعت آن گوهر یکتا برای احتفاظ اربابِ مذاق به مضمون؛ مصرع:

که حلوا نه تنها نبایست خورد

مرکوز خاطر فاتر گردید، به عنایت الهی آن تمنا هم آغوشِ حصول هشت و دیوان موصوف مع ضمیمه آن به اهتمام احقر حلیه طبع پوشید.“ (قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر جانِ جانان اور اُن کا کلام، صص ۱۲۴-۱۲۸).

۳- رقعات کرامت سعادت:

مجموعه نامه های میرزا مظهر جانا جانان است.

۴- کلمات طیبات:

مجموعه دیگر نامه های میرزا مظهر جانِ جانان به زبان فارسی است. در این مجموعه ۸۸ نامه هاست که همه آنها به مریدان وی نوشته شده است. البته در آن چندین ملفوظ حضرت جانِ جانان نیز وجود دارد (قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر اور اُن کا کلام، ص ۱۲۵).

۵- مکاتیب میرزا مظهر:

سومین مجموعه نامه های میرزا مظهر که دارای ۱۴۷ نامه هاست به زبان فارسی. ه، این نامه ها خطاب به قاضه ثنا الله پانی پتی، یکی از عارفان معاصر میرزا جان جانان است. این نامه ها اغلب در آخرین سال های زندگی میرزا مظهر نوشته شده است و اغلب مربوط به وقایع و امور شخصی میرزا جان جانان است (قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر اور ان کا کلام، ص ۱۲۵).

۶- شعر اردوی میرزا مظهر:

هر چند میرزا مظهر جان جانان دیوان مستقل شعر اردو به یادگار نگذاشته و گاه گاهی به اردو شعر می سروده است و تعداد اندکی از شعر اردوی وی در تذکره ها و بیاض ها وجود داشت که از نظر کیفیت بسیار عالی و زیبا است. عبدالرزاق قریشی (میرزا مظهر جان جانان اور ان کا کلام، صص ۲۰۷-۲۱۸) اشعار اردو میرزا را از تذکره ها، بیاض ها و کتاب های مختلف گردآوری کرده است.

شعر سرایی فارسی میرزا مظهر جان جانان:

میرزا مظهر هر چند به عنوان يك عارف، صوفی و دانشمند معروف شده است، ولی او بی گمان يك شاعر برجسته زبان فارسی است که تذکره نویسان، نقادان و ادب دوستان از وی بسیار ستایش کرده اند. غلام علی آزاد بلگرامی، (سرو آزاد، ص ۲۳۲) او را: ”به اقتضای اسم روح الروح معنی پروری، نو عروسِ مقال را به مشاطگی ذهنش طرز تازه و تصویر خیال را به تر دستی فکرش حسن بی اندازه شعله اندازش آتش زن خرمن ها و شوخی اندازش شور افکن انجمن ها“، گفته است. به نظر قدرت الله شوق (تکملة الشعرا، صص ۱۵، ۱۷) او: ”سخنوری بود نازک خیال، خوش مقال“. به گفته افضل بیگ قاقشال (تحفة الشعرا، صص

---)(دربارهٔ میرزا جانِ جانان گفته است که: ”در فکرِ عَدِیم المِثال و کلامش همه پُر از درد و حال است“. (برای اطلاعات بیشتر در بارهٔ جایگاه والای شعر سرائی میرزا مظهر جانِ جانان رُک به: قریشی، عبدالرزاق، میرزا مظهر اور اُن کا کلام، صص ۱۲۴-۲۱۸).

میرزا مظهر جانِ جانان از آنجا که عاشق صادق و صوفی صافی بود، لذت آشنای بادهٔ عرفان بود و اداهای حسن را خوب درک می کرد. او در شعر گویی به راست روی و راستی می پرداخت. شعرش عکس خوب و دلنشین از دل خیزد و در دل نشیند بود. به عنوان مثال می توان به ابیات زیرش توجه کرد:

می توان داد به ما خدمت خیاطی خویش	که به بالای تو عمری است نظر دوخته ایم
قضا از مشهد ما مشتِ خونی وام می گیرد	که تا رنگین کند هنگامهٔ روز قیامت را
بی کسی مشهور کرد آخر به یکنائی مرا	داد تشریف خدائی فیض تنهائی مرا
شب نمودند به من نامهٔ اعمال مرا	صبح دیدم که به دستم سرگیسوی تو بود
ازان پیرهنِ خود چاک می سازم که می ترسم	گریبانم به محشر آید و دامن من گیرد
حرفی نساخت نامه برم از زبان یار	شرمش نیامد از دل امیدوار من

بیانش در عاطفه های روحی عرفانی خلی صریح، دلنشین و مؤثر است، چنانکه می گوید:

مهر و ماه ارض و سما آینه شکل اند همه	می توان یافت که در پرده خود آرائی هست
کثرت این نقش ها عرض تجلی های اوست	در دو عالم غیر یک نقاش کس موجود نیست
رستن از قید خودی مظهر به حق پیوستن است	قطره بودم بحر یک کشتی شرابم کرده است
مظهر طلبی گر به جهان منزل راحت	بگذر ز تو خود و در پس این پرده مقام است
چنان از خویش می رفتم که هرگز بر نمی گشتم	اگر می بود در دستم عنان اختیار من

یاد داشت ها و کتابشناسی منابع:

- آزاد بلگرامی، غلام علی، ۲۹۱۳م، سرو آزاد، حیدر آباد دکن.
- ابو الخیر محمد ابن احمد، ۱۳۰۹ق، کلمات طیبات دهلی.
- برزگر، حسین، ۱۳۸۰ش، مظهر دهلوی، دانشنامه ادب فارسی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادیش)، ج ۴، بخش ۳، به سرپرستی حسن انوشه، تهران.
- بهرائچی، مولوی نعیم الله، ۱۲۷۵ق، بشارات مظهریه، کانپور.
- همو، ۱۲۷۵ق، معمولات مظهریه، کانپور.
- تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، ۱۹۷۲م، ج ۵ فارسی ادب، ۳۰، لاهور.
- مظهر جان جانان، میرزا مظهر، ۱۲۷۱ق، خریطه جواهر، کانپور، چاپخانه مصطفایی.
- مظهر جان جانان، میرزا مظهر، ۱۲۷۱ق، دیوان مع خریطه جواهر، کانپور.
- همو، ۱۲۷۱ق، رقعات کرامت سعادت چاپخانه فتح الاخبار کول.
- دهلوی، غلام علی، ۲۰۱۵م، مقامات مظهر، تحقیق و تعلیق و ترجمه، محمد اقبال مجددی، لاهور.
- سرور، غلام، ۱۲۸۴ق، خزینة الاصفاء لاهور.
- قریشی، عبدالرزاق، ۲۰۰۴م، میرزا مظهر جان جانان اور ان کا کلام، اعظم گره.
- منزوی، احمد ۱۳۶۸ق، فهرست مشترك نسخه های خطی فارسی پاکستان، ج ۸، اسلام آباد.
- نوشاهی، عارف، ۱۳۶۸ش، کتابشناسی تا فارسی چاپ شده در شبه قاره (هند،

۱۶۸ کلیمه اختری/معرفی و بررسی شعر سرایی فارسی میرزاعظمهر جانِ جانان

پاکستان، بنگلادش)، ج ۴، تهران.

- نوشاهی، عارف، ۹۰

۱۳ ش، فهرست نسخه های خطی فارسی آرشیو ملی پاکستان، اسلام آباد، تهران.
